



دانشگاه فرهنگیان
وزارت آموزش و پرورش
انجمن روانشناسان و مشاوران
معاونت آموزش و پرورش شهرستان جاباب



Third National Conference on Professional Research in Psychology and Counseling

ISC



CIVILICA

سومین همایش ملی پژوهش های حرفه ای در روانشناسی و مشاوره "با رویکرد از نگاه معلم"

بررسی سطح خوانایی کتاب کارگاه نوآوری و کارآفرینی پایه یازدهم با استفاده از شاخص مک لافین

الهه دهقانی^۱

^۱ کارشناسی ارشد حسابداری

اداره آموزش و پرورش شهرستان بندرعباس

آدرس پست الکترونیک: elahedehghani.ed@gmail.com

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، دست یابی به میزان سطح خوانایی کلاسی و سنی کتاب کارگاه نوآوری و کارآفرینی از نظر تناسب با سطح کلاسی و سنی و درک و فهم دانش آموزان و مقایسه آن ها از نظر میزان تناسب متون با سطح توانایی خوانایی دانش آموزان است. انتخاب روش پژوهش بر اساس تحلیل محتوا و با استفاده از فرمول تعیین شاخص های سطح خوانایی مک لافین می باشد. موضوع مورد مطالعه کتاب کارگاه نوآوری و کارآفرینی پایه یازدهم شامل ۵ فصل در ۱۸۰ صفحه می باشد. نمونه های تصادفی انتخاب شده از فصل اول و سوم و پنجم می باشد. یافته های بدست آمده از این پژوهش نمایانگر آن است که میزان سطح خوانایی کلاسی کتاب کارگاه نوآوری و کارآفرینی براساس سه نمونه انتخاب شده (۱۴ یا ۱۵) و سطح خوانایی سنی این کتاب (۱۶ یا ۱۷) است که نشان دهنده ی آن است که متون کتاب کارگاه نوآوری و کارآفرینی متناسب کسانی است که ۱۴ یا ۱۵ کلاس درس خوانده اند. و سن ۱۶ یا ۱۷ سال دارند. در حالی که این متون برای فراگیران پایه یازدهم ارائه شده است. و متن کتاب از نظر سطح خوانایی بالاتر از سطح کلاسی پایه یازدهم قرارداد ولی متناسب با سن و درک و فهم دانش آموزان این پایه است. و نشان از عدم تطابق پیچیدگی متن کتاب با سطح سنی و کلاسی دانش آموزان پایه یازدهم دارد.

کلید واژه: سطح خوانایی، کارگاه نوآوری و کارآفرینی پایه یازدهم، مک لافین

۱-مقدمه

تحلیل محتوا، یک روش تحقیق علمی و از پرکاربردترین و محبوبترین روش های تحقیق در علوم اجتماعی، رفتاری و انسانی است. بررسی کتابهای درسی، به دلایلی همچون شناسایی نقاط قوت و ضعف ضروری است. این بررسی روش های گوناگونی دارد که تحلیل محتوا یکی از آنهاست. سالانه چندین عنوان کتاب درسی، توسط آموزش و پرورش برای استفاده کودکان و نوجوانان و جوانان این مرز و بوم پس از طراحی، تدوین، تغییر و اصلاح منتشر می شوند که در فرایند تولید و انتشار آنها از معیارهای مختلفی استفاده می شود اما به نظر می رسد اغلب اغلب این معیارها کیفی و کلی بوده و از شفافیت کافی برخوردار نیستند. تعدادی از این نوشته ها توسط معلمین باتجربه و تعدادی دیگر به وسیله نویسندگان معتبر که تحصیلات و تخصص و مهارت نظری و فنی دارند نگارش می شود. در این بین پرسش اساسی این است که در تدوین آنها از چه معیارهایی می توان استفاده کرد؟ و چگونه می توان این معیارها را کمی کرده، قضاوت در مورد محتواها را عینی کرد؟ و پشتوانه تغییرات و تجدید نظرها با این همه هزینه مستقیم و غیر مستقیم را مبتنی بر یافته های عینی و واقعی تحقیقات قرار داد؟ بررسی ها مشخص کرد شاخص هایی برای تحقق این مهم وجود دارد که شاید با مطالعه،